

درس دوم

«فضل خدا»

آموختنی‌ها

- ۱ تفکر و تأمل در خلقت خداوند
- ۲ توجه به لحن و بیان با توجه به موضوع و نوشته
- ۳ آشنایی با (سعدی) شاعر بزرگ ایرانی
- ۴ نوشتن ادامه داستان در یک بند



کلمات مترادف

بحر: دریا	شمار: حساب، شمردن	بستان: باغ
لیل: شب	بیخ: ریشه	تصور: اندیشه، خیال
بنی آدم: انسان‌ها	لحن: آهنگ کلام	زمزمه: زیر لب سخن گفتن
نهار: روز	توحید: یگانگی، یکتایی	حسرت: جذب: جلیز: غرور:
بر: پیدان، خشکی	گردگان: تحسین: شاخسار: شاخه	
فضل: نیکی، بخشش، مهربانی، لطف		
انجم: ستارگان، جمع نجم		

کلمات متضاد

بحر = دریا	مرده = زنده	ناراحت = خوشحال
لیل = شب	خواب = بیدار	شروع = پایان
مهربان = ناهربان، بد اخلاق	درست = نادرست	تشنه = سیراب

کلمات هم خانواده

فضل، فاضل	مغرور
انجم، نجوم	مخلوق
توحید، وحدت، وحید	تشکر، شکر



فصل خدا اگر برتن من زبان شود هر موی

یک شکر تو از هزار نتوالم کرد (عطار نیشابوری)

فصلِ خدای را، که تواند شمار کرد؟ چکس
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟ نایب از عالم نایب از زیار

هیچ کس نیست که بتواند، بخشش و مهربانی خدا به موجودات را بشمارد، هیچ کس نیست که بتواند، یکی از هزاران

نعمت او را شکر بگوید.

تفلا بجز آفرید و بر و درختان و آدمی تضاد
خورشید و ماه و آنجم و لیل و نهار کرد تضاد

خداوند، درخت خشک و انسان‌ها را خلق کرد و خورشید، ماه، ستارگان و شب و روز را خلق کرد.

اجزای خاک سُرده، به تاثیر آفتاب خاک بی حاصل به دلیل نور خورشید
بستان میوه و چمن و لاله‌زار کرد

به خواست خداوند بر اثر تابش نور خورشید بر خاک بی حاصل، باغ‌های میوه و چمن و لاله‌زار به وجود آمد.

ابر، آب داد بیخ درختان سُرده را باران بارید
شاخ برهنه، پیرهن نوبهار کرد شاخه‌ی بی برگ

فصل بار

ابر با بارش خود، ریشه‌ی درختانی را که در فصل زمستان به خواب رفته بودند، سیراب کرد و به این ترتیب، شاخه‌ی

خشک درختان، لباسی از شکوفه‌های تازه‌ی بهاری بر تن کرد.

توحیدگسوی او، نه بنی آدم‌اند و بس فقط
هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

در میان موجودات فقط انسان‌ها خدا را به یگانگی پرستش نمی‌کنند؛ هر بلبلی که بر شاخه‌ی درخت آواز می‌خواند،

نیز خدا را می‌پرستد.

بخوان و بدان



درنا: برنا چه می‌کنی؟ چرا زمزمه می‌کنی؟

برنا: دارم شعری را برای خواندن آماده می‌کنم.

درنا: آماده می‌کنی؟ چه مشکلی داری؟!

برنا: برای اینکه زیبا و درست شعر بخوانیم و دیگران از شنیدن آن لذت ببرند، باید به مراحل زیر توجه کنیم:

اول: آرام و آهسته شعر را می‌خوانیم و محتوایش را بررسی می‌کنیم.

دوم: حالا آهنگی برایش در نظر می‌گیریم.

سوم: با آهنگ و سرعت مناسب، با صدای زیبا و بلند می‌خوانیم.

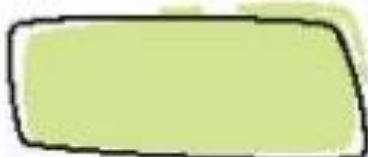
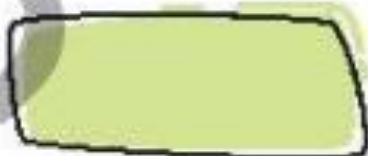
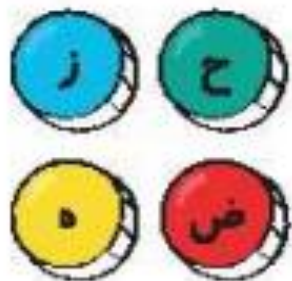
در موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف، حالت و لحن صدایمان را با آن موقعیت و مکان هماهنگ کنیم.

این تفاوت لحن و صدا باعث می‌شود شنونده بهتر متوجه موضوع شود.



پیدا کردن کلماتی که دارای ارزش املائی هستند یا کلماتی که حروف خاصی مثل (ع. ص. ض. ط. ق. غ و...) در آنها وجود دارد، به تقویت مهارت املائی شما کمک می‌کند.
با توجه به متن درس دوم فعالیت‌های زیر را انجام بده.

الف: کلمات با حروف خواسته شده را از متن درس پیدا کن و بنویس و سپس با توجه به رنگ‌های داده شده، حرف‌های مربوطه را رنگ کن.



ب: کلماتی که از نظر املائی اشتباه نوشته شده‌اند را تصحیح کن و درست آنها را بنویس.





عبارات مناسب را از قسمت «الف» به قسمت «ب» وصل کن. (یک عبارت اضافی است.)

(الف)

- ❌ ناگهان گردویی از شاخه جدا شد و ...
- ❌ تو نباید از من تشکر کنی، بلکه
- ❌ ابر، آب داد بیخ درختان مرده را
- ❌ بحر آفرید و بر، درختان و آدمی

(ب)

- ❌ شاخ برهنه، پیرهن نو بهار کرد.
- ❌ به پیشانی اش خورد.
- ❌ خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد.
- ❌ باید از زمین سپاس گزار باشی.
- ❌ توحید گوی او، نه بنی آدم اند و بس

درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

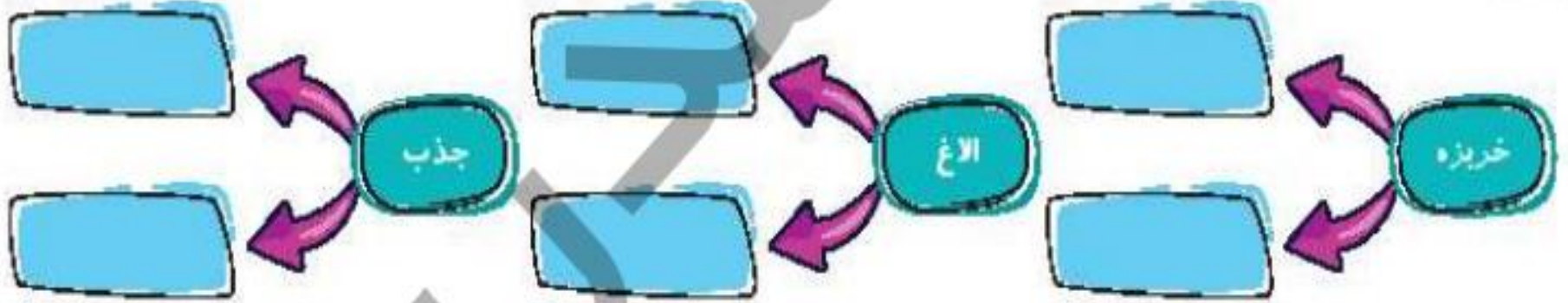
الف: «پدر، گلدسته، اذان، مسجد، در یک گروه قرار دارند.»

ب: در مصرع «ابر، آب داد بیخ درختان مرده را، منظور از «آب»، باران است.»

پ: در حکایت «راز گل سرخ، پروانه متوجه شد که زیبایی اش کلر باغبان است.»

ت: ضرب‌المثل مرتبط با حکایت «درخت گردگان، این است: عقلش به چشمش است.»

۲ با حروف اول و آخر هر کلمه، در جای خالی کلمه‌ای جدید بنویس.



۴ کلمات زیر را طبقه‌بندی کرده و در جدول بنویس.



متضاد	مترادف

۵

معنای واژه‌های هر عبارت را نوشته و سپس تفاوت و شباهت آن‌ها را بنویس.

الف: لایل و نهار یعنی چه؟

ب: بحر و بر یعنی چه؟

۶

عبارات «بر و بحر» و «لایل و نهار» را در یک جمله به کلمه ببر و بنویس.

۷

مفهوم بیت (ابر، آب داد بیخ درختان مرده را شاخ برهنه، پیرهن نو بهار کرد) را بنویس.

۸

داستان زیر را در یک بند ادامه بده.

روزی پیرمرد فقیری از روستایی می‌گذشت. به رودخانه رسید. اما پلی برای عبور وجود نداشت.

با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: منظور از «توحید گوی او، نه بنی آدم‌اند و بس، چیست؟

(۱) فقط آدمیان خدا را می‌پرستند.

(۲) انسان‌ها خدا را می‌پرستند و بس.

(۳) انسان‌ها در نماز سوره‌ی توحید می‌خوانند.

(۴) فقط آدمیان (انسان‌ها) خدا را نمی‌پرستند.

ب: علائم نوشتاری متن زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«محمود به سحر خیزی معروف بود (۱) او همیشه در شروع کارهایش می‌گفت (۲) (۳) (۴) خدایا به امید تو (۵)»

(۱) ؛ ؛ ؛

(۲) ...

(۳) ؛ ؛ ؛

(۴) ؛ ؛ ؛

پ: کدام گروه از کلمات با بقیه فرق دارد؟

(۱) خسته و تشنه

(۲) شاخه و ساقه

(۳) لاله زار و علفزار

(۴) تأثیر و تأمل

ت: وقتی می‌گویند، فلانی «عقلش به چشمش است، یعنی ...»

(۱) کم عقل است.

(۲) دانایی‌اش را در چشمش می‌توان دید.

(۳) هر چه را ببیند، قبول دارد.

(۴) هر چه را ببیند، درباره‌اش می‌اندیشد.



نسخه

خدایا! دستم را بگیرا هر چند تو خدای خوب من، همیشه و در مراحل سخت زندگی قلبم را در دستانت گرفته‌ای و مرا لبریز آرامش کرده‌ای!
من همیشه به یاد تو هستم، دلم آرام است و راحت می‌توانم چشم فرو ببندم و با خیالی آسوده بخوابم.
خدایا! فقط تو را می‌پرستم و فقط از تو یاری می‌جویم!

الف: چطور خداوند، دست ما را می گیرد؟

ب: وقتی مطمئن هستیم که خدا، به ما کمک می کند، چه احساسی داریم؟

پ: دل انسان چه زمانی، آرام می گیرد؟

ت: چرا فقط باید از خدا یاری خواست؟



سعدی

مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی معروف به سعدی
از بزرگترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم هجری بود.
آموزش‌های مقدماتی را در زادگاه خود، شیراز، فرا گرفت

و برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت. وی پس از ۳۵ سال به شیراز بازگشت.

کتاب ارزشمند او گلستان (به نثر همراه با شعر) حاصل تجربیات او در سفرهاست و کتاب ارزشمند

دیگرش بوستان (به شعر) نام دارد.



بخوان و بفهم